که می بینی بان والی رقعه نوشتم و عرض حال وی کردم بر پشت
رقعه نوشت که ان کس را که در گذشته بر از شام بکوفه
برد و از کوفه بمدینه و از مدینه بمکه و از مکه بشام بگو بشد گو درا
از حبس ما خلاصی دهد ان بسیار بر من گران امد و مغموم و محزون
شدم چون بامداد کردم بجانب حبس روان شدم تا ویرا
از ان حال اگاه کنم لشکریان را و نگاهبانان را دیدم در اضطراب
یافتم پرسیدم که حال چیست گفتند این شخص که دعوی
نبوت کرده بود و ویرا حبس کرده بودند دوش
غایب شده است نمیدانیم که ویرا زمین فرو برده است
یا مرغان اسمانی ربوده اند و از انجمله آنست که چون
مامون فوت شد فرمود که فرج ما بعد از گذشتن مامون
سی ماه خواهد بود چون از فوت مامون سی ماه گذشت
ویرا وفات رسید و از انجمله آنست که شخصی گفته است
که بر جواد رضی الله عنه در آمدم و گفتم که فلان صالحه دعا
رسانیده است و از جامهای شما جامه طلبیده است که

کفن وی کنند

کفن وی کنند فرمود که وی از ان مستغنی شده است من بیرون
آمدم و هیچ ندانستم که معنی آن سخن چه بود ناگاه خبر رسید که وی
پیش ازین بسیزده روز یا چهارده روز مرده است و از انجمله آنست
که دیگری گفته که با یکی از اصحاب قصد سفر داشتیم بر جواد رضی الله
عنه در آمدیم که وداع کنیم فرمود که امروز بیرون مروید و تا
فردا صبر کنید چون بیرون آمدیم صاحب من گفت که من
بیرون میروم که بار من بیرون رفته است من بایستادم وی
برفت شب در ان وادی که فرود آمد سیل آمد و در ان غرق
شد و بمرد علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر رضی الله عنهم وی امام دهم است
کنیت وی ابو الحسن است و ویرا ابو الحسن ثالث گفتندی و لقب
وی هادی و عسکری مشهور است مادر وی ام ولد بوده است
و سمانه نام و قیل انها امة ام الفضل بنت المامون و ولادت
وی در مدینه بوده است سیزدهم ماه رجب سنه اربع عشرة
و مائتین و وفات وی در زمان منتصر بود در سر من رای از نواحی
بغداد روز دوشنبه از اواخر ماه جمادی الاخری سنه اربع

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1